

با جنبش توده‌ای، علیه جمهوری اسلامی (سند شماره ۴)

طی دو سال گذشته تحولات جامعه سرعت بیشتری یافته، مبارزات مردم در مقابل رژیم گسترده‌تر و حادثه و شکاف درون حاکمیت عمیق‌تر شده و چشم‌اندازهای جدیدی در روند تحولات جامعه ایجاد گشته است.

جنبش توده‌ای

جنبش فعال اعتراضی توده‌ای در دو سال گذشته به شدت و در اشکال مختلف توسعه یافته، تا حد رویگردانی وسیع توده‌ها از حاکمیت گسترش داشته و تضادهای درونی رژیم را تشدید کرده است. گسترش بحران اقتصادی - اجتماعی، بیکاری وسیع، گرانی لجام‌گسیخته، فقدان حداقلهای تأمین اجتماعی، تبعیضات وسیع علیه زنان، بی چشم‌اندازی آینده در مقابل چند میلیون جوانی که وارد بازار کار می‌شوند، فساد و ارتشاء؛ که تمام بدنه دستگاه اداری حکومت را در بر گرفته و اختناق و سرکوب، زمینه گسترش این جنبش در عرصه‌ها و در شهرهای مختلف و به میدان کشیدن گروه‌های مختلف اجتماعی در مبارزه با رژیم بوده است.

در حال حاضر توهم نسبت به متحول شدن ماهیت حاکمیت جمهوری اسلامی بسیار کاهش یافته، رژیم به عنوان مانع اصلی تحقق خواسته‌های اولیه توده‌ها شناخته شده و برچیدن این رژیم هدف اصلی مبارزات توده‌ای قرار گرفته است.

۱- نیروهای اصلی این مبارزه، کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و دانشجویان، روشنفکران و ملیت‌های ساکن ایران‌اند که اکثریت آحاد جامعه را تشکیل می‌دهند و مطالبات حقوقی و صنفی، سیاسی و اجتماعی‌شان توسط رژیم سلب و اعتراضات و اجتماعاتشان برای احقاق این حقوق، توسط نیروهای حکومت سرکوب شده است.

۲- مطالبات اصلی و اولیه این گروه‌ها، آزادی‌های وسیع سیاسی، اجتماعی و فردی، لغو قوانین و محدودیتهای اسلامی و ارتجاعی و جدایی دین از حکومت است که بر بستر آن بتوانند با تشکیل احزاب، سازمانها و تشکلهای صنفی و اجتماعی، خود را متشکل کنند تا در امور جامعه دخالت و مشارکت داشته باشند و برای تحقق حقوق و خواسته‌هایشان تلاش و مبارزه نمایند.

۳- ضعفهای اصلی این جنبش توده‌ای، متشکل نبودن و نداشتن رهبری است. با وجود آنکه مردم در بخشهای مختلف جامعه هدف و مطالبات اصلی واحدی دارند ولی در غیاب احزاب سیاسی و نبود یک آلترناتیو مورد اعتماد توده‌ها در مقابل رژیم، مبارزات آنان به صورت پراکنده انجام می‌شود. تاکتیکهای آنان خودانگیخته است، چشم‌انداز روشنی پیش رو ندارند و در مقابل قدرت سرکوب رژیم از نیرو و امکانات بالقوه خود محروم‌اند.

۴- جنبش مردم که ابعاد گسترده‌ای یافته و در نقاط مختلف کشور حضور خود را به صورتهای مختلف بر حکومت تحمیل کرده، نه صرفاً اقدامات و اعتراضات ا فشار اجتماعی برای خواسته‌های صنفی و طبقاتی، که جنبش وسیع سیاسی است در مقابل رژیم، که هدف نهایی آن سرنگونی جمهوری اسلامی است.

حاکمیت جمهوری اسلامی

رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی که مذهب را به کلیه شئون فردی و اجتماعی جامعه حاکم کرده، طی ۲۲ سال حاکمیت خود اثبات کرده که با آزادی و دموکراسی تضاد آشتی‌ناپذیر دارد و جز با ترور و سرکوب قادر به ادامه حیات خود نیست.

۱- جناح مسلط رژیم که جناح ولایت فقیه است، نیروهای سرکوب، ارگانهای فرادولتی حکومت، رادیو و تلویزیون، دستگاه قضائی و باندهای حزب‌اللهی را تحت سلطه و نفوذ خود دارد. این جناح بنیادهای گوناگونی را که پس از انقلاب تشکیل شد، بخش بزرگی از صنایع، مؤسسات تجاری و املاک وسیعی را در دست گرفته و در همراهی با بازار، قدرت مالی وسیعی را در اختیار دارد. با حضور قدرت اقتصادی بورژوازی تجاری سنتی در این ائتلاف و متناقض بودن آن با الزامات و روابط سرمایه‌داری جهانی، این جناح در بازسازی سرمایه‌داری وابسته و ورود به بازار جهانی با مشکل جدی مواجه است.

این جناح که خواستار ادامه روند تاکتونی جمهوری اسلامی است، می‌کوشد تا علیرغم مخالفت وسیع توده‌ای، با استفاده از امکانات خود، سرکوب مبارزات مردم و ایجاد ترور و اختناق، در قدرت باقی مانده و از منافع مالی و قدرت سیاسی خود پاسداری کند.

۲- جناح خاتمی در دو سال گذشته موقعیت خود را در حکومت تقویت کرده و با کسب اکثریت مجلس ششم، علاوه بر قوه اجرایی، قوه مقننه را نیز تحت کنترل خود درآورده است. این جناح بر آن است که تحت عناوین "قانونگرایی"، "جامعه مدنی" و "توسعه سیاسی"، تغییراتی را در ساختار سیاسی حکومت، در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی صورت دهد. این جناح خواستار عادی کردن و تکمیل قواعد و روابط سرمایه‌داری در جامعه، در جهت هماهنگ کردن این حکومت غیرمتعارف با الزامات سرمایه‌داری جهانی است و از این رو نیز مورد حمایت دولتهای خارجی و بویژه اروپایی قرار دارد. اصلاحات مورد نظر خاتمی، محدود به ایجاد امکانات بیشتر در جهت اهداف و نیروهای جناح خود او است و با رفرمهای عمیق سیاسی - اجتماعی و اقتصادی مورد نظر توده‌ها فاصله بسیار دارد. خاتمی سعی می‌کند خود را تنها آلترناتیو در مقابل جناح خامنه‌ای معرفی کرده، هرگونه اقدام توده‌ها را برای اصلاحات مورد نظر خود، در چارچوب قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی محدود کند و با کنترل مردم، ضمن جلوگیری از رشد اعتراضات و عبور آنها از محدوده قانون اساسی، از نیروی مردم برای چانه‌زنیهای خود در بالا و تحکیم خود در ساختار حکومتی بهره گیرد. خاتمی طی سه سال گذشته ماهیت ناپیگیر و سازشکار خود را به نمایش گذاشت. اکنون دیگر از توهم توده‌ها نسبت به نقش او و اصلاحات موردنظرش کاسته شده است.

چشم‌انداز

۱- جنبش خودجوش توده‌ای که در دو سال گذشته تعادل قوا در جامعه را نسبت به گذشته به نفع توده‌های مردم و بر ضد رژیم برهم زده، با جنبش دانشجویی تیرماه سال قبل، وارد مرحله تعرضی و رادیکال خود شد. در این مرحله، درگیری وسیع توده‌ای با نیروهای رژیم در شهرهای مختلف و به دلایل گوناگون، تداوم یافته است. علاوه بر حرکتها و اعتراضات دانشجویی که با حمایت و همدردی مردم با آن همراه بود، گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری و اشکال متنوعی که مبارزات آنها، اعم از اعتصاب، راهپیمایی، بستن جاده و اشغال کارخانه به خود گرفته، اعتراض مردم به ابطال انتخابات از سوی شورای نگهبان و درگیری با نیروهای حکومتی مانند "بسیج" و "امر به معروف و نهی از منکر"، شیوه‌های دیگری از مبارزه مردم با رژیم و نشان دادن اعتراضاتشان بوده است.

امروزه رشد مبارزه مردم که هدف برچیدن جمهوری اسلامی را در چشم‌انداز خود دارد، از چارچوب اصلاحات موردنظر خاتمی در محدوده قانون اساسی فراتر رفته است. این جنبش در چشم‌انداز آتی باز هم تعرض خود را ادامه خواهد داد و تشدید تضادهای درون حکومت نیز به گسترده‌تر شدن آن کمک خواهد کرد.

۲- بحران داخلی رژیم که در نتیجه اوجگیری جنبش توده‌ای افزایش یافته و درگیری جناحهای آن حادث شده است، در شرایط تعرضی و رادیکال شدن جنبش، بطور یکپارچه و با گلوله در مقابل آن ایستاده و نشان داده که جناحهای حکومت به رغم جدی و عمیق بودن اختلافاتشان، در حفظ نظام و دفع خطراتی که رژیم را تهدید کند، متفق و متحدند.

۳- در تعادل قواي موجود که هیچیک از جناحها قادر به حذف دیگری و یک دست کردن حکومت نیست، هنوز اهرمهای اصلی قدرت و نیروهای سرکوب در دست جناح ولایت فقیه است. تضاد دو جناح در آینده باز هم عمیقتر و گسترده‌تر خواهد شد که تجزیه، جدایی و جابجایی نیروهای این جناحهای حکومت را به همراه خواهد داشت.

۴- در شرایط حاضر، مبارزه ما علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی است. اختلافات و رقابتهای موجود فی‌مابین جناحهای درونی این رژیم، موجب همراهی و یا حمایت ما از این یا آن جناح نخواهد بود. در این شرایط که جناح مسلط و ارتجاعی‌تر رژیم با توسل به همه اقدامات سرکوبگرانه و حتی زیر پا گذاشتن برخی قوانین و مقررات خود این رژیم، خواستار حفظ وضع موجود و مانع هرگونه تحولی به نفع توده‌هاست. هر جناح حکومتی به ازای اقدامات و سیاستهای خود نیز بطور مجزا مورد برخورد و افشاکاری قرار می‌گیرد.

سیاست ما در رابطه با اختلافات و تضادهای درونی رژیم، تشدید اینگونه تضادها در جهت رشد و تقویت مبارزات مردم می‌باشد.

۵- مبارزه برای تحقق فرم مغایرتی با مبارزه برای سرنگونی رژیم ندارد. ما برای رفرمهایی که توده‌ها به دنبال آن هستند مبارزه می‌کنیم.

اپوزیسیون جمهوری اسلامی همچنان پراکنده و فاقد نفوذ توده‌ای و اهرمهای لازم برای دخالت در روند مبارزات جاری مردم است. گسترش جنبش مردم و تضادهای درون حکومت، دگرگونی‌هایی در وضعیت و صفتبندی طیف نیروهای اپوزیسیون ایجاد کرده است. این واقعیت نیز وجود دارد که بخشی از اپوزیسیون به دنباله‌روی از یک جناح حاکمیت و انکار نقش مستقل اپوزیسیون در تحولات سیاسی جامعه کشیده شده و بخش دیگری بی تأثیر از این تحولات، چشم بر روند کنونی بسته و نقش منفعلانه در مقابل آن داشته است.

وظایف ما

- ۱- مبارزه برای جدائی دین از حکومت و مخالفت با هرگونه حکومت مذهبی.
- ۲- ایجاد رابطه مؤثر و فعال با جنبش توده‌ای و کوشش برای شکل‌گیری جنبش مستقل مردم. این جنبش از سازمانیابی تشکلهای مستقل کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان و حول خواستها و مطالباتشان و پیوند میان آنها شکل خواهد گرفت.
- ۳- دفاع از مطالبات جنبشهای اجتماعی و جنبش توده‌ای (شامل آزادیهای وسیع سیاسی، اجتماعی، فردی، حقوقی، فرهنگی، آزادی بیان و عقیده و نشر و تشکیل احزاب) و تلاش برای تعمیق و تحقق این خواستها.
- ۴- تلاش برای شکل‌گیری یک آلترناتیو دموکراتیک - انقلابی در مقابل جمهوری اسلامی.